

تحلیل هفته

شماره: 455

(از 12 الی 18 قوس 1403 هـ ش)

اهداف چین و روسیه در افغانستان؛ وجوه اشتراک و افتراق منافع آنها



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- اهداف چین و روسیه در افغانستان؛ وجوه اشتراك و افتراق منافع آنها..... 3
- اهداف چین و روسیه در افغانستان..... 3
- وجوه اشتراك منافع چین و روسیه در افغانستان..... 7
- وجوه افتراق منافع چین و روسیه در افغانستان 8
- نتیجه گیری 9
- پیشنهادات 10
- منابع 10



اهداف چین و روسیه در افغانستان؛ وجوه اشتراک و افتراق منافع آنها

مقدمه

در یکی دو هفته گذشته کابل شاهد حضور دو مقام بلند پایه از دو قدرت بزرگ آسیایی چین و روسیه بود. از طرف چین یوشیائویونگ نماینده خاص آن کشور برای افغانستان به تاریخ ۳ قوس پس از سفرش به پاکستان وارد کابل شد و از جانب روسیه سرگئی شویگو منشی شورای امنیت ملی روسیه در رأس هیئتی به تاریخ ۶ قوس سال جاری هجری خورشیدی به کابل آمد. هر دو هیئت در دیدارهای متعددی که با مقامات امارت اسلامی از جمله معاونین ریاست‌الوزراء و وزرای دفاع و داخله‌های امارت اسلامی داشتند، روی موضوعات زیادی چون گسترش روابط سیاسی، چگونگی افزایش تعاملات اقتصادی و ترانزیتی و سرمایه‌گذاری‌ها بالای استخراج معادن در افغانستان مذاکراتی انجام دادند. در این زمینه پرسش‌های که مطرح می‌شود این است که چین و روسیه در افغانستان به دنبال چه هستند؟ وجوه اشتراک و افتراق منافع این دو قدرت بزرگ در افغانستان شامل چه مواردی می‌شود؟ و اینکه افغانستان از این روابط چگونه می‌تواند به نفع خود سود ببرد. در این تحلیل تلاش می‌شود به پرسش‌های مطرح شده پاسخ‌هایی ارائه شود.

اهداف چین و روسیه در افغانستان

به صورت عمومی منافع چین و روسیه در افغانستان شامل طیفی از اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی می‌شود. هرچند هر کدام از این دو کشور اولویت‌های خاص خود را در افغانستان دارد، اما در مجموع می‌توان آنها را که بر موضوعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی متمرکز است ذیلاً مورد بررسی قرار داد.

اول - اهداف سیاسی

- حمایت از یک نظام سیاسی همسو با تقاضاهای روسیه و چین؛ با انصراف از گذشته‌های دور، در ۲۰ سال گذشته آنچه که روسیه و چین را در مورد افغانستان رنج می‌داد فقدان یک نظام موافق و همسو با این دو کشور بود. در جمهورییت ۲۰ ساله نظام سیاسی در افغانستان که به کمک غرب ساخته شده بود به عنوان یک نظام متحد غربی و علیه این دو قدرت شرقی حساب می‌شد. از همین رو پس از روی کار آمدن دوباره امارت اسلامی در مجموع تلاش روسیه و چین حمایت از نظام سیاسی در افغانستان در راستای این قرار گرفته است که با این دو کشور مخالف نباشد. روابط گرم و نرمی که چین و روسیه با امارات اسلامی در پیش گرفته‌اند بر اساس همین هدف قابل ارزیابی است. روس‌ها و چینی‌ها دریافتند که امارت اسلامی نظامی است که با غرب دارای تعامل و روابط استراتژیک نمی‌باشد از همین رو اولین هدف سیاسی خود را تقویت تعامل و روابط با این نظام قرار دادند.

• داشتن روابط فارغ از تأثیرپذیری از طرف سوم؛ موضوع دیگری که دو کشور چین و روسیه در افغانستان دنبال می‌کنند انتظاری است که روابط افغانستان با آنها تحت تأثیر روابط افغانستان با کشور دیگری به خصوص ایالات متحده امریکا یا دیگر دولت‌های غربی نباشد. چیزی که در نظام گذشته به شدت مایه رنجش خاطر این دو کشور بود. از نظر روسیه و چین امارت اسلامی در مراحل اولیه ثبات و قوام خود به عنوان یک دولت در افغانستان است که باید مورد حمایت قرار گیرد. چیزی که بارها مقامات این دو کشور به آن اذعان داشته اند که در آخرین مورد رئیس جمهور روسیه بار دیگر به این موضوع تأکید کرده و گفته است: «نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که وضعیت در افغانستان به سوی ثبات به پیش می‌رود و مسکو با مقامات کنونی در آن کشور روابط داشته و آنرا ادامه می‌دهد.»¹ در واقع چنین حرفی از زبان مقامات کشورهای خارجی بازگو کننده این واقعیت است که افغانستان در حال حاضر دارای یک نظام سیاسی مستقل و خودسامان بخش است و برای اینکه این نظام سیاسی تحت تأثیر کشورهای دیگر به خصوص ایالات متحده نرود باید با آن روابط نزدیک و عمیق برقرار کرد.

• هم‌نوايي سياسي در موضوعات منطقه‌ای و جهانی؛ طبیعتاً دولت‌ها در دنیا به دنبال یارگیری سیاسی هستند. از نگاه چین و روسیه افغانستان در حال حاضر دارای نظامی است که اهداف و منافع آن تا حدودی همسو با نسبت به منافع منطقه‌ای این دو کشور می‌باشد. هرچند امارت اسلامی در موضوعات منطقه و جهانی تا اکنون جانب بی‌طرفی را اختیار کرده است که همین حد نیز برای کشورهای چین و روسیه خبر امیدوارکننده است؛ اما این دو کشور در تلاش هستند تا با نزدیک شدن به افغانستان بتوانند نگاه امارت اسلامی را معطوف به تعریف خود از مسائل و موضوعات جهانی بسازند. هرچند در بعد منطقه‌ای رویکرد امارت اسلامی تا حدودی نزدیک با رویکرد کشورهای مذکور می‌باشد به خصوص در زمینه ای مبارزه با گروه‌های چون "داعش" و رد جدایی طلبی و همچنین مبارزه با مواد مخدر، اما هر دو کشور می‌کوشند تا دیدگاه‌های امارت اسلامی در خصوص موضوعات بزرگتری در راستای تعریف و اهداف آن کشورها جهت داده شود.

دوم - اهداف امنیتی

• تهدید نشدن از خاک افغانستان؛ اولین هدف مهم امنیتی که کشورهای روسیه و چین از نزدیک شدن با امارت اسلامی دنبال می‌کنند، تهدید نشدن خاک و منافع این کشورها از ناحیه افغانستان می‌باشد. در حقیقت این هدف محوری‌ترین و حیاتی‌ترین هدفی است که کشورهای پیرامون افغانستان به خصوص روسیه و چین که به لحاظ امنیتی درجه بالای آسیب‌پذیری را از ناحیه افغانستان دارند، دنبال می‌کنند. زیرا افغانستان در طول سه دهه گذشته مهمترین منبع تهدیدآفرینی برای این دو کشور بوده است. در این راستا جذابیت و دلگرمی که برای دو کشور ایجاد

شده تعهد امارات اسلامی مبنی بر تهدید نشدن هیچ کشوری از خاک افغانستان است. اگرچه امارت اسلامی به این تعهد خود در سه سال گذشته وفادار بوده اما مقامات هر دو کشور هر از گاهی از وجود گروه‌های تروریستی در افغانستان شکایت می‌کنند. مثلاً نماینده چین قبل از سفرش به افغانستان در پاکستان از حضور بیش از ۲۰ گروه تروریستی در مستقر در خاک افغانستان خبر داد؛^۲ یا اینکه روس‌ها بارها از حضور "داعش" و سایر گروه‌های دیگر در افغانستان حکایت می‌کنند. حتی چند روز پیش شهروند چینیایی که در تاجیکستان کشته شد، گفته می‌شود حمله کننده از خاک افغانستان به تاجیکستان وارد شده بود.^۳ تمام این مسائل نشان دهنده نگرانی عمیق این کشورها از وجود گروه‌های تروریستی در افغانستان است. البته آنچه که مایه دلگرمی این کشورها حساب می‌شود عزم قاطع امارات اسلامی در خصوص مبارزه با این گروه‌ها است که هم در شعار و هم در عمل دیده می‌شود. چنانچه از محورهای اصلی سفر منشی شورای امنیت روسیه به افغانستان ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مبارزه مشترک با گروه‌های تروریستی و ایجاد هماهنگی‌های لازم در این زمینه بود.^۴ به بیان واضح‌تر، آنچه روسیه و چین را مجاب می‌کند تا با امارت اسلامی وارد تعامل نزدیک شوند، مبارزه با گروه‌های تروریستی که عامل اصلی آن نگاه مشترک تمام طرف‌ها نسبت به آنها می‌باشد.

• نظارت مستقیم اوضاع امنیتی از افغانستان

شامل نشدن افغانستان در ائتلاف‌های نظامی متخاصم؛ هدف امنیتی دیگری که کشورهای روسیه و چین در افغانستان دنبال می‌کنند جلوگیری از وارد شدن افغانستان در یک ائتلاف یا اتحاد نظامی ضد چینی و روسی به خصوص قدرت‌های فرامطقه‌ای مانند ایالات متحده امریکا است. مهمترین نگاه خصمانه که کشور چین و روسیه نسبت به افغانستان در گذشته داشتند ائتلاف نظامی این کشور با امریکا و ناتو بود. افغانستان به عنوان کشوری که به لحاظ موقعیت برای وسیه و چین نزدیک است اگر در ائتلاف با یک قدرت خارجی خصمانه قرار گیرد می‌تواند به لحاظ جیواستراتژیکی تهدید کلانی علیه آنها فراهم کند. بنابراین دو کشور تلاش می‌کنند تا با نزدیکی امنیتی با افغانستان زمینه‌های جذب دوباره این کشور را در یک ائتلاف خصمانه از میان بردارند.

• نظارت مستقیم افغانستان و گروه‌های تروریستی موجود در این کشور؛ موضوع دیگری که برای روسیه و چین خیلی مهم است که باید از نزدیک بالای آن نظارت داشته باشند حضور گروه‌های تروریستی، نوع و میزان تهدیدات برخاسته از آنها علیه آن کشورها از افغانستان است. همانگونه که پیشتر بیان شد روس‌ها و چینیایی‌ها علی‌رغم اینکه از ناحیه امارت اسلامی اطمینان دارند که کلیت نظام امارات اسلامی و حاکمیت آن در افغانستان ضرر را متوجه آن کشورها نمی‌سازد چنانچه روسیه حذف نام امارت اسلامی را از گروه‌های ممنوعه به مراحل نهایی آن رسانده اما هر دو کشور تا هنوز اطمینان لازم را از اینکه از افغانستان مورد تهدید قرار نگیرند حاصل نکرده اند. بنابراین برای نظارت مستقیم از تعداد، تنوع، نوع و میزان تهدیدهای گروه‌های تروریستی از افغانستان باید حضور مستقیم در این

کشور داشته باشند که طبیعتاً برای تأمین چنین هدفی نیاز است که تعامل نزدیکتر و بیشتری با امارات اسلامی داشته باشند.

سوم - اهداف اقتصادی

علاوه بر اهداف سیاسی و امنیتی هر دو کشور روسیه و چین اهداف اقتصادی را نیز در افغانستان دنبال می‌کنند. در زمان جمهوریت هرچند که چینی‌ها چند قرار اقتصادی مانند استخراج مس عینک و استخراج نفت حوزه آمو دریا با افغانستان بسته بودند و حتی حکومت وقت افغانستان چنان وانمود می‌کرد که مانعی فراروی حضور اقتصادی روسیه در افغانستان وجود ندارد اما حضور امریکا در این کشور باعث شده بود که هر دو کشور نتوانند به گونه آزادانه با افغانستان تعاملات اقتصادی در سطح کلان برقرار نمایند. حاکمیت مجدد امارات اسلامی بر افغانستان چنین زمینه را برای تمام کشورها به خصوص چین و روسیه فراهم کرد از همین رو ملاحظه می‌شود که هر دو کشور وارد تعامل گسترده اقتصادی با افغانستان شده، برنامه‌ها و طرح‌های کلان اقتصادی را در افغانستان در دستور کار دارند که محورهای ذیل را شامل می‌شود.

- تقویت روابط اقتصادی به خصوص تمرکز بر صادرات بیشتر به افغانستان؛ اگرچه چینی‌ها در زمینه صادرات به افغانستان در گذشته نیز پیشتاز بودند اما تلاش‌های این کشور در راستای افزایش تعاملات اقتصادی با افغانستان بیشتر شده است چنانچه چین اعلام کرد که تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی از افغانستان را از میان برمی‌دارد. یا اینکه چینی‌ها سخت در تلاش هستند تا مسیر مستقل خط ریلی بین افغانستان و چین به عنوان اصلی‌ترین مسیر صادرات و واردات با افغانستان تبدیل شود. چنانچه انتقال آزمایشی نیز یکی دو بار از این مسیر صورت گرفته است. روس‌ها نیز با اینکه در گذشته‌های دور با افغانستان تعاملات اقتصادی زیادی داشتند اما در سه دهه گذشته به دلیل جنگ داخلی در افغانستان و حضور امریکا در این کشور از بازار اقتصادی افغانستان نسبت به دیگر کشورها بی بهره بودند. بنابراین روس‌ها با توجه به ظرفیت‌هایی که دارند به خصوص در زمینه صادرات مواد نفتی و اقلام غذایی مانند گندم و روغن و حتی ماشین آلات صنعتی که در افغانستان مقبولیت بسیاری دارد برای افزایش سطح مبادلات تجاری به افغانستان آستین بالا زده اند. چنانچه از محورهای اصلی سفر منشی شورای امنیت ملی روسیه مذاکرات در زمینه افزایش سطح تجارت به افغانستان بود. در کنار این روس‌ها با توجه به اهمیت موقعیت افغانستان به خصوص در زمینه ترانزیت شمال و جنوب پی برده اند. روس‌ها دریافته اند که می‌توانند از مسیر افغانستان در همکاری با کشورهای آسیای مرکزی تجارت زمینی خود را با دو کشور به شدت نیازمند پاکستان و هند به خوبی استفاده کنند. از همین رو مسکو علاقمندی خود را برای اشتراک در پروژه ترانس-افغان ابراز داشته است.

- سرمایه‌گذاری در زمینه استخراج معادن؛ جذابیت دیگری که افغانستان برای تمام کشورها دارد، منابع به ارزش چند تریلیون دالری این کشور است. امارت اسلامی که درهای سرمایه‌گذاری را در این زمینه به روی تمام سرمایه‌گذاران باز گذاشته است، در میان همه تنها حضور روس‌ها کم‌رنگ دیده می‌شود درحالی‌که روس‌ها هم به لحاظ دانش و هم تکنوژی بیشتر از همه می‌توانند نقش پررنگ در زمینه استخراج معادن داشته باشند. روس‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در صورت تعلل جای خالی آنها توسط دیگران پر خواهد شد و از مزیت کلان اقتصادی محروم خواهند گشت. از همین‌رو با فرستادن هیئت‌هایی در صدد کسب سهم خود در این مارکیت پر سود شده‌اند. البته در این زمینه چینی‌ها بیشتر موفق عمل کرده‌اند چنانچه در طول سه سال گذشته از حاکمیت امارت اسلامی چین به‌عنوان بزرگترین سرمایه‌گذار در افغانستان توانسته سهم بسیار کلانی در این خصوص در افغانستان به دست بیاورد. چنانچه در حال حاضر مجموع سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چینی در افغانستان به حدود پنجمصد میلیون دالر رسیده و حدود ۱۰۰ شرکت چینی در وزارت معدن افغانستان برای سرمایه‌گذاری در افغانستان ثبت شده است.⁵

وجوه اشتراک منافع چین و روسیه در افغانستان

با بررسی اهداف و منافع چین و روسیه در افغانستان معلوم می‌شود که منافع مشترک این دو کشور در افغانستان موارد ذیل را در بر می‌گیرد.

- حمایت از یک دولت یکپارچه در افغانستان؛ منافع مشترک هر دو کشور چین و روسیه به دلیل همسایگی و نزدیکی به افغانستان در این نهفته است که در افغانستان یک دولت مرکزی یکپارچه و قوی وجود داشته باشد. آنچه که این دو کشور را تشویق به همکاری دوجانبه با امارات اسلامی می‌کند همین برداشت است که هر دو کشور وجود امارات اسلامی را به‌عنوان یک دولت یکپارچه و قوی و مرکزی به نفع خود و شرکای خود در منطقه می‌دانند. البته چنانچه در اهداف سیاسی و امنیتی هم بحث شد روسیه و چین در صورتی از یک حکومت مرکزی در افغانستان حمایت می‌کنند که چنان حکومتی مستقل و بدون تأثیر پذیری از قدرت‌های غربی باشد. در این خصوص امارت اسلامی استراتژی مناسب و به‌جایی که اتخاذ کرده، بی‌طرفی در سیاست خارجی است. افغانستان بی‌طرف به کشورهای منطقه به خصوص روسیه و چین بیش از هر چیز دیگری می‌تواند مفید باشد.
- حمایت از امارت اسلامی در راستای مبارزه علیه گروه‌های مخرب؛ قدر مسلم این است که حضور گروه‌هایی در افغانستان برای هر دو کشور روسیه و چین تهدیدی جدی حساب می‌شود، چون افغانستان به مثابه یک تخته‌خیز برای گروه‌های تروریستی برای ضربه زدن به روسیه و چین حساب می‌شود. از طرف دیگر امارت اسلامی نیز از بدو حاکم شدن مجدد بر افغانستان مبارزه جدی علیه

"داعش" داشته و تقریباً این گروه را در افغانستان از پا در آورده است. در حقیقت یک تعریف مشترک از گروه‌های تروریستی میان هر سه طرف یعنی چین، روسیه و امارت اسلامی وجود دارد. همین فصل مشترک باعث شده است که دو کشور روسیه و چین ضمن تمجید از مبارزه جدی امارت اسلامی علیه "داعش"، حمایت مشترک خود از امارت اسلامی را در وسیعی ابراز دارند.

- مخالفت با حضور مجدد غربی‌ها به خصوص امریکا در افغانستان؛ فصل مشترک دیگری که روسیه و چین در افغانستان دارند جلوگیری از حضور مجدد غربی‌ها به خصوص امریکا در افغانستان می‌باشد. هرچند که چین و روسه تا هنوز نتوانستند جای کمک‌های غربی را به افغانستان پر کنند اما هر دو کشور به شدت و سخت در تلاش هستند تا با افزایش همکاری اقتصادی و انجام سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان این کشور را از اتکا به منابع غربی بی‌نیاز سازند.
- عدم مداخله در امور داخلی افغانستان به خصوص در زمینه سیاست‌های داخلی؛ هر دو کشور روسیه و چین در سه سال گذشته نشان داده اند که کمتر تمایل دارند تا در امور داخلی افغانستان مداخله کنند. اگرچه هر دو کشور هرازگاهی از تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان صحبت می‌کنند اما سیاست‌های اصلی و عملی هر دو کشور عدم مداخله در امور داخلی افغانستان و یا عدم حمایت از جناح یا جناح‌هایی در این کشور می‌باشد. به عبارت دیگر روسیه و چین سیاست اصلی خود را در تعامل روشن و شفاف با حکومت موجود افغانستان تعریف کرده اند و تا حدودی از روندهای موجود در افغانستان حمایت می‌کنند.

وجوه افتراق منافع چین و روسیه در افغانستان

حقا که روسیه و چین در افغانستان با وجود هم‌نوایی و همگرایی با تشریک منافی که دارند هر دو کشور در مواردی دیگر نیز درگیر رقابت خواهند بود. در زمینه‌های سیاسی و امنیتی در حال حاضر مسائلی وجود ندارد که موجبات اختلاف یا رقابت دو کشور را به وجود بیاورد. آنچه که احتمالاً دو کشور چین و روسیه را درگیر رقابت در افغانستان خواهد کرد، منافع اقتصادی می‌باشد. دو کشور روسیه و چین به احتمال زیاد درگیر رقابت بر سر سرمایه‌گذاری در زمینه استخراج معادن در افغانستان می‌شوند. البته این احتمال زمانی می‌تواند پررنگ باشد که چینی‌ها تلاش کنند تا از حضور روس‌ها در افغانستان در این زمینه جلوگیری نمایند. ولی شاید چینی‌ها مشتاق باشند که به صورت انحصاری استخراج معادن افغانستان را در اختیار داشته باشند اما این احتمال نیز ضعیف است که بدین وسیله مانع حضور روسیه در افغانستان شوند. از طرف دیگر امارت اسلامی با توجه به سیاست‌های باز اقتصادی که روی دست گرفته می‌تواند مانع بروز رقابت در این خصوص در افغانستان میان دو کشور چین و روسیه شود. مسئله دیگر بحث ترانزیت است اگرچه افغانستان در پروژه کلان کمر بند و راه چین جایگاه شایسته ندارد اما چینی‌ها تلاش دارند تا افغانستان را در مسیرهای شمالی و جنوبی این پروژه شریک سازند که در این زمینه گفتگوهای سه جانبه میان چین

پاکستان و افغانستان نیز صورت گرفته است. همچنین پروژه دهلیز واخان به عنوان یکی از پروژه‌هایی که می‌تواند در آینده به عنوان یک مسیر اصلی من حیث پروژه کمر بند در نظر گرفته شود، محل بحث است که البته در حال حاضر نمی‌توان بالای آن خیلی حساب باز کرد. با این حال چینی‌ها تمایل دارند که از طریق افغانستان به ایران وصل شوند. در این زمینه نیز پروژه‌های از قبل طراحی شده است که می‌توان از پروژه ۵ ملت به عنوان نمونه یاد کرد. با اینکه این اهداف اقتصادی ترانزیتی چین نمی‌تواند ارتباطی با روسیه داشته باشد اما می‌تواند نقش روس‌ها را در این زمینه کاهش دهد. مثلاً زمانی موضوع می‌تواند مسئله ساز شود که روس‌ها احساس کنند که در این خصوص در افغانستان در حاشیه قرار دارند. برای همین است که روس‌ها تمایل شدید خود را بر اشتراک در پروژه ترانس-افغان ابراز داشتند. همچنین روس‌ها تمایل دارند تا از طریق افغانستان به آسیای جنوبی وصل شده و بازارهای جدیدی فراروی تولیدات خود به خصوص در زمینه نفت و گاز به جنوب آسیا بگشایند. در ظاهر اهداف چین و روسیه در این زمینه در تقاطع همدیگر قرار می‌گیرد اما اگر قضیه را تبلیغات منفی غربی‌ها در نظر بگیریم، چندان جدال‌آور بین دو کشور چین و روسیه نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در گذشته حضور امریکا در افغانستان و وجود یک دولت مؤتلف با آن در این کشور از موانع جدی فراروی حضور پررنگ چین و روسیه در افغانستان بود. خروج امریکا از افغانستان و استقرار مجدد امارت اسلامی در این کشور فرصت بسیار کلانی برای قدرت‌های آسیایی به خصوص روسیه و چین برای گسترش حضور سیاسی، امنیتی و اقتصادی در افغانستان فراهم کرد. از همین رو ملاحظه می‌شود در سه سال گذشته این دو کشور مقامات و هیئت‌های عالی‌رتبه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را به افغانستان جهت تحکیم روابط و تأمین منافع اقتصادی فرستاده‌اند که آخرین مورد آن سفر نماینده خاص چین به کابل و سفر منشی شورای امنیت روسیه در رأس هیئتی عالی رتبه به کابل بود. این سفرها و تمام سفرهای دیگری که قبلاً مقامات این دو کشور به افغانستان انجام داده‌اند، در راستای تأمین اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی انجام می‌شود. هر دو کشور روسیه و چین علاوه بر اینکه تعامل سیاسی و امنیتی و اقتصادی خود را با امارت اسلامی گسترش داده‌اند، اقدامات تشویقی دیگری را نیز برای هر چه بیشتر نزدیک شدن با امارت اسلامی انجام داده‌اند. مثلاً چین سفیر رسمی امارت اسلامی را پذیرفته و روسیه کار حذف امارت اسلامی را از گروه‌های ممنوعه نهایی ساخته است. به صورت کلی می‌توان گفت که چین و روسیه در حال افزایش روابط خود با امارت اسلامی در سطح بسیار بالایی می‌باشند اما چقدر تقویت روابط دوجانبه هرکدام از این دو کشور زمینه تقابل آنها را در افغانستان به وجود می‌آورد؟ با اینکه هر دو کشور روسیه و چین هر کدام اولویت‌های خاص خود را در افغانستان دنبال می‌کنند، اما هر دو کشور تلاش می‌کنند با اتخاذ رویکردهای همسو زمینه‌های تقابل را میان یکدیگر در افغانستان کاهش دهند. چنانچه در این بحث بررسی شد،

زمینه‌های همکاری و همسویی این دو قدرت بزرگ در افغانستان به مراتب بیشتر از زمینه‌های تقابل آنها می‌باشد.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های که انجام شد، پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

- 1- برای امارت اسلامی لازم است تا از توجه خاص دو قدرت بزرگ چین و روسیه در راستای تقویت جایگاه سیاسی خود استفاده کند؛
- 2- ضرورت است که امارت اسلامی از ظرفیت‌های اقتصادی دو کشور روسیه و چین در راستای تقویت و رشد اقتصادی کشور استفاده مطلوب نماید؛
- 3- امارت اسلامی با رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی معقول هر دو کشور زمینه را برای اولویت‌بندی به اقتصاد در اهداف آن کشورها فراهم سازد؛
- 4- هرچند روسیه و چین خواهان قرار دادن افغانستان در مدار خود هستند، اما برای امارت اسلامی لازم است تا توازن را در نزدیکی با این کشور به‌خصوص در مقابل کشورهای غربی حفظ کند؛
- 5- لازم است امارت اسلامی با اتخاذ سیاست‌های معقول در راستای تأمین منافع علیای کشور، زمینه‌های تقابل کشورها را در افغانستان از میان بردارد.

منابع

1. رادیو آزادی. «ولادیمیر پوتین بر ضرورت تقویت روابط روسیه با حکومت طالبان تأکید کرد»، نشر شده ۹ قوس ۱۴۰۲، قابل دسترسی: <https://da.azadiradio.com/a/33220510.html>
2. رادیو آزادی. «نماینده ویژه چین: حضور ۲۰ گروه تروریستی در افغانستان امنیت منطقه را تهدید می‌کند»، نشر شده ۲۹ عقرب ۱۴۰۳ قابل دسترسی: <https://da.azadiradio.com/a/33207037.html>
3. دویچه‌وله. «حمله مرگبار به چینی‌ها در منطقه مرزی تاجیکستان با افغانستان»، تاریخ نشر ۲۹ عقرب ۱۴۰۳ قابل دسترسی: <https://www.dw.com/fa-af/%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87-%D9%85%D8%B1%DA%AF%D8%A8%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%DA%86%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87-%D9%85%D8%B1%D8%B2%DB%8C-%D8%AA%D8%A7%D8%AC%DB%8C%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/a-70821474>
4. ایرنا. «سفر دبیر شورای امنیت روسیه به کابل؛ تأکید بر تقویت همکاری‌های دوجانبه»، تاریخ نشر ۶ قوس ۱۴۰۳ قابل دسترسی: <https://www.irna.ir/news/85671818/%D8%B3%D9%81%D8%B1-%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D8%B1-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA-%D8%B1%D9%88%D8%B3%DB%8C%D9%87-%D8%A8%D9%87-%DA%A9%D8%A7%D8%A8%D9%84-%D8%AA%D8%A3%DA%A9%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%B1-%D8%AA%D9%82%D9%88%DB%8C%D8%AA-%D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%87%D8%A7%DB%8C>
5. مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی. «نگاهی به روابط اقتصادی امارت اسلامی افغانستان و چین»، قابل دسترسی: <https://csrskabul.com/?p=8255>




مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنامندی پالیسی ها در افغانستان و منطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org